

قاتل سریالی کجا قربانیانش را به مسلح می‌برد؟

داستان پک مثلث

ایستاد به قاضی نورالله عزیزمحمدی گفت: وقتی بنزین گران شد دیگر مسافرکشی برایم به صرفه نبود بهمین دلیل تصمیم گرفتم با قتل زنان و سرقت طلاهای آنها مشکلات مالی ام را حل کنم. امید همچنین وقتی برای آخرین دفاع در جایگاه قرار گرفت، اظهار داشت: اگر با اعدام من جامعه اصلاح می‌شود و نبود من همه چیز را درست می‌کند مرا اعدام کنید اما می‌دانم این اتفاق نمی‌افتد. عزیز محمدی که حالا بازنشسته و وکیل شده است درباره شخصیت امید می‌گوید: «امید در خانواده‌ای بزرگ شده بود که همیشه شاهد اختلافات پدر و مادرش بود پدر به مادر شک داشت و همین دلیل اصلی آن‌ها برای درگیری و اختلاف بود این مشکلات روی شخصیت امید هم تاثیر گذاشت و باعث شد ذهن‌ش درگیر خیانت باشند امید دریاه انجیزه‌اش دلایل مختلفی را بیان می‌کرد اما انکه‌ای که وجود داشت این بود که پس از کشاندن زنان به خانه‌اش به آن‌ها تجاوز می‌کرد، طلاهایشان را سرقت می‌کرد و آن‌ها را می‌کشت این اقدامات نشان می‌داد ادعای او درباره قتل زنان خیانت‌کار صحیح نیست. خاطرم هست یکی از قربانیان تازه عقد کرده بود و در مدرسه شبانه‌روزی درس می‌خواند.»

امید پس از محکمه در دادگاه کیفری به ده بار قصاص محکوم شد که این حکم به تأیید دیوان عالی کشور هم رسید قاتل سریالی زنان سرانجام مهرماه سال نود و دو در ملاعام به دارمجازات آویخته شد

امید، معروف به قاتل بزرگ‌زاده در آخرین روزهای سال ۱۳۸۶ و پس از چند سال توقف جنایت‌های سبقتش قتل‌های خود را در گرج آغاز کرد. بیش از این دوزن را در گیلان کشته بود و توبه‌اش برای زندگی سالم زیاد دوام نیاورد. در مدت پنج ماه هشت زن را در گرج در پوشش مسافربر سوار پیکان قهقهه ای خود کرد و بعد از خفه کردن آنها، جسدشان را در حاشیه خیابان رها می‌کرد. کمالشهر، قزل‌حصار و مهرشهر سه ضلع مثلثی است که اجساد در آن پیدا شد. امید پس از دستگیری مدعی شد، پنج قتل را در خانه‌اش در خرمدشت و دو قتل را در خانه‌اش در کمالشهر انجام داده و یکی از قربانیان را داخل خودرو خفه کرده است. دورگرد چهارتین از قربانیان هم روسربیگه آرام و موجه داشت به‌طوری‌که اطرافیانش وقتی متوجه دستگیری او به اتهام قتل‌های سریالی شدن باورشان نمی‌شد که این جوان آرام مزکوب قتل ده زن شده باشد. امید پس از ادواج خودروی پیکان قهوه‌ای زنگ خربید و با مسافرکشی، هزینه زندگی اش را تامین می‌کرد اما چند ماه بعد با همین خودرو قربانیانش را شکار کرد و به قتل رساند.

او در باره‌انگیزه‌اش از قتل‌های موضعیات مختلفی را مطرح کرد گاهی می‌گفت به‌خاطر مشکلات مالی و با انگیزه سرقت از قربانیان آن‌ها را می‌کشتم گاهی ادعایی کرد که انگیزه‌اش انتقام از زنانی بود که همیشه از جسد در حالی که روسربیگه دور گردنش می‌کرد. او وقتی در شعبه هفتاد و یک دادگاه کیفری یک استان تهران برای دفاع از خود پای میز محکمه

۱۳۸۷ بهمن

فاز چهارم شهر

زن ۳۵ ساله به نام مبارکه

جسد در حالی که روسربیگه دور گردش بود توسط اهالی محل پیدا شد

۱۳۸۷ تیر

در اطراف قزل حصار

زن جوانی به نام فرحناز

جسد در حالی که مانتو به تن داشت و با روسربیگه خفه شده بود، کشف شد

۱۳۸۷ خرداد

کمالشهر

زن ۲۴ ساله به نام لیلا

جسم ملحه پیچ شده توسط یک پاکبان پیدا شد

۱۳۸۷ اردیبهشت

ورودی کمالشهر

زن جوانی به نام مليحه

جسم در حالی که روسربیگه دور گردنش بود، پیدا شد

۱۳۸۶ فروردین

جاده قزل حصار

زن ۲۴ ساله‌ای به نام مریم

جسم در حالی که روسربیگه دور گردش بسته شده بود توسط رانندگان پیدا شد

۱۳۸۶ خرداد

حوالی فرودگاه پیام

زن ۳۵ ساله‌ای به نام فریده

جسم این زن هم مانند بقیه قربانیان ملحه پیچ شده بود

۱۳۸۶ اسفند

وروودی شهرستان هشتگرد

زن جوان به نام رقیه

جسم در میان ملحه توسط رانندگان گذری پیدا شد